

در چند شهر دیگر هم اجرا رقتیم وپس از آن دوباره با خانم اسکویی در اجرای «سه خواهر» همکاری کردم.

#### این نمایش در کدام سالن اجرا شد؟

نمایش در سالن سنگلج روی صحنه رفت. در اجرای «اعماق» بازیگرانی چون محمود بنفشه‌خواه، مهدی فتحی، محمود دولت‌آبادی، کهنمونی، خود مهین خانم و دخترشان سودابه حضور داشتند. در اجرای «سه خواهر» نیز مهدی فتحی و مهین فرودنابازی کردند.

#### آیا خاطره‌ای از هم‌بازی شدن با فتحی و دولت‌آبادی دارید؟

نمایش «اعماق» مدت‌ها روی صحنه بود و به بسیاری از شهرهای ایران سفر کردیم. من این شانس را داشتم که در کنار این بزرگان باشم. در یکی از سفرها، وقتی در ماشین بودیم، متوجه شدیم که دولت‌آبادی حضور ندارد و بعدها فهمیدیم ساواک ایشان را بدون سروصدا دستگیر کرده بود. مهدی فتحی به‌واسطه رفاقت نزدیکشان بسیار ناراحت و به هم‌ریخته شد.

#### آیا می‌شود این استنباط را داشت که گرایش‌های اعضا تحت تأثیر آموزه‌های مهین اسکویی بود؟

نه، مهین اسکویی چندان سیاسی نبود و اگر گرایشی به‌روسیه داشت، به‌خاطر تحصیلاتش در آن کشور بود. اما آدم‌های اطراف ایشان روی من تأثیرگذار بودند.

#### چه آدم‌هایی؟

نمی‌شود گفت.

#### آیا این اجراهایی که در شهرستان‌ها انجام می‌دادید، درآمد مالی مناسبی داشت؟

بازده مالی قابل توجهی نداشت و درآمد کمی داشت.

#### آیا ممر درآمد شما در آن دوره فقط از بازیگری نتاثر بود؟

خیر؛ شغل اصلی‌ام حسابداری بود و به‌واسطه‌ی تحصیلاتم در حد حرفه‌ای این کار را بلد بودم. چند سالی نیز در شرکت «الایم» رئیس حسابداری بودم.

#### آیا برای اجراهای این شرکت به شما مرخصی می‌داد؟

در آن زمان خیلی سخت مرخصی می‌دادند و این موضوع گاهی کار را دشوار می‌کرد. بعد از انقلاب اما شرایط تغییر کرد و ساختارها دچار تحول شد. به همین دلیل دوباره به اهواز برگشتم و تصمیم گرفتم در آزمون ورودی دانشگاه شهید چمران شرکت کنم. خوشبختانه توانستم نفر چهل‌م شوم و دوباره مسیر تحصیل و آموزش برایم باز شد.

#### در چه رشته‌های پذیرفته شدید؟

زبان و ادبیات انگلیسی.

#### به چه دلیل دوباره به اهواز برگشتید؟

می‌خواستم کنار خانواده باشم و به‌همین خاطر دوباره به اهواز برگشتم. در آنجا در شرکتی مشغول به کار شدم که مسئول حفاری چاه‌های نفت بود و پس از مدتی جذب شرکت نفت، بخش ملی حفاری شدم. این بازگشت باعث شد هم‌زمان با کار حرفه‌ای، بتوانم پیوند با خانواده را حفظ کنم و تجربه‌های جدید کاری و هنری را در کنار زندگی روزمره داشته باشم.

#### آیا در این دوران نتاثر کار می‌کردید؟

بله، در آن دوران هم‌زمان با کار حرفه‌ای، به نتاثر هم می‌پرداختم. نمایشی نوشتم به نام «نمانی به رنگ» و آن را روی صحنه بردم. بعد از آن هم چند نمایش با موضوعات دینی اجرا کردم تا تجربه‌های هنری‌ام را گسترش بدهم و مخاطبان بیشتری با آثارم مواجه شوند. این فعالیت‌ها به من کمک کرد که همواره در جریان نتاثر باشم و مهارت‌هایم را تمرین و تقویت کنم.

#### آیا زنده‌یاد علی سجاده‌حسینی تحت تأثیر شما وارد فعالیت‌های هنری شد؟

بله، علی را من به دنیای نتاثر بردم و زمینه‌ی آشنایی‌اش با صحنه را فراهم کردم. بعدها که خودش به تهران آمد، در نمایش «سه خواهر» نقش «آندره» را بازی کرد. این تجربه برایش نقطه‌ی عطفی در مسیر هنری‌اش بود و باعث شد جدی‌تر به فعالیت‌های هنری بپردازد.

#### از نحو آشنایی و همکاری‌تان با داوود میر باقری بگویید؟

آشنایی من با داوود میر باقری به زمانی برمی‌گردد که در فیلم‌های «برادرم» و «مدرسه پیرمردها» به عنوان دستیار

کارگردان فعالیت می‌کردم. هم‌زمان میر باقری مشغول انتخاب عوامل برای سریال «امام علی» بود و یکی از دوستان مرا به ایشان معرفی کرد. رقتیم و برای نقش «ابن مفتوح» قرارداد بستم. گروه به بندرعباس رفت و در آنجا با مشکلاتی مواجه شدند؛ مرصدا زند و پیشنهاده دادند که آیا دوست دارم به عنوان دستیار میر باقری کار کنم.

در ابتدا اقرار بود با برادرم در «راز چشمه گل سرخ» همکاری کنم، اما بعد تماس گرفتم و با او مشورت کردم و گفتم پیشنهاد میر باقری واجب‌تر است و تصمیم گرفتم قبول کنم. علاوه بر دستیار، در چند نقش هم بازی کردم. این همکاری تجربه‌ای بسیار تأثیرگذار در مسیر کاری من بود و توانستم از نزدیک با روش کار میر باقری و مدیریت یک گروه حرفه‌ای آشنا شوم.

#### چقدر این همکاری با میر باقری در تکوین کاری شما مؤثر بود؟

این همکاری واقعاً برای من بسیار تأثیرگذار بود. نه تنها میر باقری، بلکه شهرام اسدی و کیانوش عیاری هم جزو آدم‌هایی بودند که مسیر زندگی هنری من را شکل دادند و نگاه من به کارگردانی و بازیگری را توسعه دادند. تجربه کار در کنار این افراد باعث شد با استانداردهای حرفه‌ای کار در سینما و تلویزیون آشنا شوم و اصول مدیریت گروه، تمرین بازیگران و ایجاد هماهنگی در تولید را به‌طور عملی یاد بگیرم. حضورشان در مسیر کاری من، یادگیری و رشد حرفه‌ای‌ام را سرعت بخشید و تأثیری ماندگار بر شیوه نگاه من به هنر گذاشت.

#### آیا در دهه شصت همچنان در کار حسابداری هم فعالیت می‌کردید؟

بله، در دهه شصت همچنان به کار حسابداری مشغول بودم و این شغل منبع اصلی درآمد بود. با این حال، به مرور و به ویژه از اواخر همان دهه، تمرکز کم‌کم تغییر کرد و تمام توجه و انرژی‌ام صرف نتاثر و کارگردانی شد. این گذار به من فرصت داد که بتوانم ایده‌ها و تجربیاتم در صحنه را به شکل حرفه‌ای‌تر و گسترده‌تر دنبال کنم و جای پای خودم را در دنیای هنر محکم‌تر کنم.

#### آیا به واسطه آشنایی شما مهدی فتحی در فیلم برادران «مدرسه پیرمردها» بازی کرد؟

علی هم مهدی فتحی را می‌شناخت و او را برای نقش انتخاب کرد. ضمن اینکه در آن دوران، مهدی فتحی بازیگر شناخته شده و مطرحی بود و حضورش در پروژه به لحاظ حرفه‌ای و کیفی نیز مؤثر بود.

#### چگونه در سال‌های دهه هشتاد به سمت کارگردانی در تلویزیون و سریال‌سازی رفتید؟

قبل از ساخت سریال «بانو»، تجربه ساخت یک مینی‌سریال با عنوان «حج سرخ» را داشتم که مخصوص دهه اول محرم تولید شد. مسیر ساخت «بانو» هم به تجربه من در چند تله‌فیلم و همچنین دستیارِ حسن هدایت برمی‌گشت. در ابتدا اقرار بود خود حسن هدایت «بانو» را بسازد، اما به دلیل مشغله‌های کاری، این فرصت به من داده شد تا نسخه یزدی سریال را کارگردانی کنم. این تجربه، شروعی برای حضور من در تلویزیون و پروژه‌های سریالی بود.

#### در سریال‌سازی، علاقه شما آیا به سمت ساخت آثار اجتماعی مثل «مهرآباد» است و یا سلاطین دیگری هم دارید؟

هنر در درون انسان است. یک نقاش وقتی اثری مثل «لبخند زکوند» را خلق می‌کند، نه فقط خطوط و رنگ‌ها را کنار هم می‌چیند، بلکه دست به بازآفرینی می‌زند؛ چیزی که فراتر از ظاهر اثر است و با نگاه و فهم هنرمند شکل می‌گیرد. وقتی به موزه لوور در پاریس می‌روید و آثار ماندگار تاریخ نقاشی جهان را تماشا می‌کنید، به‌ویژه «لبخند مونالیزا»، اثر داینچی، احساس می‌کنید که بخشی از آن لبخند نهفته در درون چشم‌های مونالیزا است و نقاش با مهارت و نگاه متعالی آن را برای مخاطب به نمایش گذاشته است. این تجربه، مخاطب را وادار به تفکر و تأمل در چیزی می‌کند که شاید پیش‌تر از آن غفلت کرده باشد و حتی به ذهنش خطور نکرده باشد.

این هنر، هنری متعالی و ماندگار است که قدرت دارد بیننده را با خود همراه کند و ذهن او را به مسیرهای تازه‌ای از مشاهده و درک هدایت کند. حافظ هم در شعر خود می‌گوید: «چرخ برهم زدم بر غیر مردم...»؛ او شخصیتی را تصویر می‌کند که می‌خواهد قواعد مرسوم و مسیرهای عادی زندگی را دستخوش تغییر کند، و این نوع نگاه هنرمندانه در هر حوزه‌ای، چه شعر، چه موسیقی، چه نقاشی و حتی سینما ویژگی‌های خاص خود را دارد و متفاوت از نگاه معمول آدم‌هاست. بنابراین من علاقه دارم سراغ موضوعاتی بروم که ذهن را مشغول و قفل‌گشاهند، موضوعاتی که در عین جذابیت برای مخاطب، او را به فکر و تأمل وامی‌دارند. این دغدغه درونی و حس کاوشگری

است که من را به سمت انتخاب موضوعات هدایت می‌کند، نه صرفاً دنبال آثار اجتماعی بودن یا تقلید از سلیقه‌های رایج. به هر حال، وقتی به خلقت انسان نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم چه ظرایف و دقتی در ذات انسان توسط پروردگار نهاده شده است و ما باید بتوانیم از این پتانسیل بهره‌برداری کنیم و ظرفیت‌های نهفته در آن را به تجربه‌های هنری تبدیل کنیم.

#### مرگ تراژیک و ناگهانی و تلخ برادران زنده‌یاد علی سجاده‌حسینی سر فیلمبرداری فیلم سینمایی «در خط آتش» برایتان چه تبعاتی داشت؟

سال‌های زیادی از زندگی‌ام را با برادرم گذرانده بودم؛ چه در دوران جوانی و چه بعدها که او به عنوان کارگردان فعالیت می‌کرد، همکاری نزدیک و رابطه عاطفی عمیقی میان ما وجود داشت. او نه فقط یک برادر، که همراه و همکار من بود و در بسیاری از پروژه‌های هنری نقش مهمی در کنارم داشت. به همین دلیل، مرگ ناپنجم‌گامش برای من ضربه‌ای سنگین، تلخ و غیرقابل تصور بود.

این حادثه آن قدر بر من تأثیر گذاشت که سال‌ها حال روحی خوبی نداشتم. دوره‌ای طولانی دچار آشفتگی و بی‌قراری بودم و شب‌ها را با کابوس‌های مکرر می‌گذراندم. در نظر روانی و عاطفی، انگار بخشی از وجودم را از دست داده بودم و جای خالی‌اش همیشه در زندگی و کارهایم حس می‌شد. حتی امروز هم وقتی به آن روزها فکر می‌کنم، هنوز آن تلخی و اندوه در درونم زنده است و جایش هیچ‌وقت پر نشده.

#### آیا شما در روز حادثه سر صحنه بودید؟

در روز حادثه، من در صحنه حضور داشتم؛ چون جزو گروه تولید مشغول کار بودم. لحظه‌ای که حادثه رخ داد، کاملاً شوکه و میهوت شدم؛ لحظاتی بود بر از ناواری و اضطراب که هیچ‌گاه از یادم نمی‌رود. آن خاطره تلخ و دلخراش همیشه در ذهنم باقی مانده و حتی امروز هم بازسازی آن صحنه‌ها حس سنگین و عمیقی از اندوه را به همراه دارد.

#### سال‌ها است در قالب شخصیت‌های مختلف پدر ایران (مقتدر، رند، بی‌تفاوت، تحصیل کرده، عامی، کاسب، منفی با مثبت) بازی می‌کنید. از این تجارب بگویید؟

در این زمینه و ایفای نقش‌های پدران ایرانی که سال‌ها است به من در سینما، نتاثر و تلویزیون با سلاطین و خصوصیات متفاوت پیشنهاد می‌شود، فیلم‌نامه اهمیت ویژه‌ای دارد و نقش آن جدی و تعیین‌کننده است. فیلم‌نامه تا حد زیادی نقشه‌راه بازیگر برای ایفای نقش است و مسیر بازی را روشن می‌کند، اما جنس بازی بازیگر هم بسیار مهم است. بازیگران درجه‌یک و مولف دنیا، مثل پاچینویا یا دنیرو، هر چند از سبک متد اکتیوینگ الهام گرفته‌اند ولی هیچ‌کدام مثل هم بازی نمی‌کنند و برداشت‌ها و خوانش‌های متفاوتی از این سبک دارند. هر بازیگر با نگاه و تجربه خاص خود به یک شخصیت نزدیک می‌شود و همین تفاوت‌هاست که بازی‌ها را متنوع و قابل توجه می‌کند. در طول این سال‌ها، تلاش من بر این بوده که هر پدر ایرانی که ایفای نقشش به من پیشنهاد می‌شود، ملموس، باورپذیر و واقعی باشد و بتواند مخاطب را با خود همراه کند.

#### آیا فعالیت‌های شما و برادران باعث شد که پسرهای شما هم جذب کارهای هنری بشوند؟

در این زمینه، دوستان و آشنایی‌ها نقش مهمی داشتند. رفت‌وآمدها و حضور آن‌ها در جمع خانواده، پیشنهادها و حمایت‌هایشان باعث شد بچه‌ها به مرور با فضای هنری آشنا شوند و به آن گرایش پیدا کنند. یادم هست یک روز دیدیم آرش، پسر بزرگم، با فلان کارگردان که با ما دوست بود همکاری کرده است و خودش هم کم‌کم به این مسیر علاقه‌مند شد. ناصر، پسر کوچک‌ترم، را همیشه دوست داشتم و وارد این شغل نشود و مسیر تحصیلی مدیریت را برای او انتخاب کرده بودم، اما زندگی مسیر خودش را رفت؛ ناگهان دیدیم که او هم وارد دنیای بازیگری و عکاسی سینما شد و بعداً به فیلم‌برداری هم پرداخت.

این تجربه نشان می‌دهد که در کارهای هنری، علاقه و تلاش فردی نقش تعیین‌کننده دارد و محیط و آشنایی‌ها فقط جرقه‌ای برای ورود می‌شوند. برخلاف بسیاری از مشاغل که مسیر و قوانین مشخص دارند، در هنر انگیزه درونی، پیگیری مستمر و کنجکاوی، مهم‌ترین عامل موفقیت هستند و این چیزی است که بچه‌هایم هم کم‌کم درک کردند و مسیر خودشان را در این دنیا پیدا کردند.

در سال‌های اخیر علی‌رغم مشغولیتی که در بازی در سینما داشتید از حضور در نتاثر هم دور نماندید و کار می‌کنید. آیا نتاثر همچنان برایتان جذابیت گذشته را دارد؟  
بله، دوست دارم در بازی‌هایم آدمی را خلق کنم. به‌طور مثال

دوست داشتم معمار نمایش «ترن» را کشف و بازتعریف کنم و مخاطب باورش کند. این بازآفرینی و تجربه لحظه‌به‌لحظه، بزرگ‌ترین لذت من است. حتی در نشست‌ها و تمرین‌ها نیز این فرآیند برایم اهمیت زیادی دارد، چرا که نتاثر همچنان همان جذابیت گذشته را دارد و امکان تجربه مستقیم و زنده انسانی باورپذیر را فراهم می‌کند، چیزی که هیچ‌میدیوم دیگری نمی‌تواند به همان شکل ارائه کند.

#### موقعی که فرهادی برای «فروشنده» پیشنهاد بازی در نقش یک آدم خبیث و شر را به شما داد، آیا نترسیدید که وجه مثبت

دوست‌داشتنی که برای مخاطب دارید خدشه‌دار شود؟  
به فرهادی و کارش اعتماد داشتم؛ او کارگردانی درجه‌یک و کاربلد است. وقتی پیشنهادی از سوی یک کارگردان با این ویژگی‌ها می‌آید، بیش از هر چیز به کار او آنچه می‌خواهد بسازد فکر می‌کنم؛ بنابراین ترس از دست‌رفتن وجهه عمومی‌ام بر این اعتماد غلبه نکرد. من معتقد نیستم که اگر کسی نقشی مثل «شمر» را بازی کند، مردم در کوچه و خیابان او را کتک بزنند. مخاطب فراتر از نقش‌رامی بیند و توان تشخیص هنر از واقعیت را دارد. برای من چالش بازی نقش‌های دشوار، فرصتی است برای آموختن توانایی‌هایم و ارائه چیزی تازه به مخاطب، نه تهدیدی برای جایگاه اجتماعی‌ام.

#### برخی از بازیگران که با نقش‌های مثبت و موجه شناخته می‌شوند از پذیرفتن نقش‌های منفی ابا‌دارند...

این قضیه‌ی رامی‌دانم ولی من قبولش ندارم و معتقدم مخاطب با شعورتر از این حرف‌ها است که تحت تأثیر نقش هر چند منفی با بازیگر زاویه و تنش پیدا کنند. اشتباه است که فکر کنیم ایفای نقش منفی جایگاه بازیگر را در جامعه بد می‌کند. موقعی که در کوچه و خیابان مردم من را می‌بینند حرف‌هایی می‌گویند.

#### چه حرف‌هایی می‌گویند؟

مثلاً می‌گویند پیرمرد خطاکار، این چه کاری بود که انجام دادی! (با خنده) البته اغلب این حرف‌ها به شوخی گفته می‌شود و کسی جدی حرفی مطرح نمی‌کند.

#### آیا علاقه دارید دوباره با فرهادی همکاری کنید؟

خیلی دوست دارم دوباره چنین همکاری شکل بگیرد.

#### در سال‌های اخیر خیلی از بازیگران در نقش روحانی ظاهر شدند. ایفای نقش روحانی آرام و موقر سریال «مرهم» برایتان

#### چه ویژگی‌هایی داشت؟

به ایفای دو نقش خیلی علاقه داشتم یکی روحانی و دیگری نقش کم‌دی و طنز. روحانی را قسمت شد و بازی کردم و نقش هم مؤثر بود و تعامل و همکاری خوبی با تیم بازیگران و کل گروه داشتم. از بازی در «مرهم» کلی خاطره خوب دارم و یک گروه حرفه‌ای و کاربلد در کنار یک کارگردان با سابقه و محترم در تولید این سریال تعامل و همکاری کردند. کار در زمان پخش هم به خوبی دیده شد. در «مرهم» بخش ناگفته‌ای از زندگی روحانیت که بیشتر خانوادگی بود در معرض دید مخاطب قرار گرفت.

#### از بین نقش‌هایی که تا به حال ایفا کرده‌اید به کدامیک علاقه بیشتری دارید؟

علاقه‌ای به انتخاب ندارم.

#### به چه دلیل علاقه‌ای به این کار ندارید؟

چون نمی‌توانم انتخاب کنم و برای همه نقش‌هایی که ایفا کرده‌ام زحمت کشیدم و برای همه‌شان تلاش کرده‌ام که ملموس، قابل باور و درست و سنجیده باشند. به هر حال در این پنج دهه دوران بازیگری و کارگردانی‌ام همیشه تلاش کرده‌ام که آثارم محترم، قابل دفاع و جذاب و قابل توجه برای مردم باشند و هیچ کاری را از روی جبر و یا سایر مسائل قبول نکرده‌ام.

